

# هشت یادداشت کوتاه در باره ادبیات مقاومت و پایداری



● رضا اسماعیلی

اشاره:

تأمل و تحقیق در حوزه شعر و ادبیات پایداری و تبیین ابعاد گوناگون دفاع مقدس ملت ایران با بهره‌گیری از زبان گویای هنر (به‌خصوص ادبیات) یکی از ضرورت‌های انکارناپذیری است که مناسفانه تا به امروز آن‌گونه که درخور این رخدادهای عظیم تاریخی است، مورد توجه جدی هنرمندان و اصحاب قلم قرار نگرفته است.

آثاری که توسط شاعران و نویسندگان پایداری (چه در زمان وقوع حادثه جنگ و چه بعد از آن) خلق شده است، حجم کمی نیست، ولی در اینکه این آثار تا چه حد توانسته در ابهام‌زدایی از این واقعه، رفع شبهات، روایت و ثبت حماسه‌ها، و به تصویر کشیدن و ماندگاری این رخداد شگفت‌تاریخی موفق باشد، جای بحث و تأمل فراوان دارد!

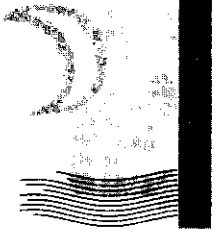
مقاله حاضر، متشکل از هشت یادداشت کوتاه، با موضوع شعر پایداری است، که در آن سعی شده مقوله شعر پایداری از زوایای گوناگون مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. البته طبیعی است که در قالب یک مقاله نمی‌توان به همه ابعاد این ژانر ادبی پرداخت و این مقاله تنها می‌تواند در حکم پیش‌درآمدی برای انجام تحقیقات گسترده‌تر و جدی‌تر در این حوزه باشد.

اهتمام جدی در پرداختن به شعر و ادبیات پایداری، ارائه تعریفی دقیق و قابل استناد، تبیین مؤلفه‌های آن، و کالبدشکافی و آسیب‌شناسی این گونه ادبی، یکی از ضرورت‌هایی است که بی‌اعتنایی به آن می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای نسل امروز و فردای انقلاب به همراه داشته باشد.

اگر امروز ما با بهره‌گیری از ابزار هنری و زبان گویای هنر (به‌خصوص شعر و داستان) در صدد به تصویر کشیدن حماسه‌های جنگ و ثبت لحظه‌های ماندگار دفاع مقدس نباشیم، بدون شک بخش عمده‌ای از هویت ملی و تاریخی خویش را به دست فراموشی سپرده‌ایم. از همین رو بر اصحاب قلم فرض است که از این پس با دغدغه‌ای جدی‌تر به این مهم اهتمام ورزند تا حقانیت دفاع هشت‌ساله ملت ایران در ذهن نسل پرستشگر آینده مورد تردید و انکار قرار نگیرد.

مقاله حاضر نیز تلاشی است. هر چند کوچک. در جهت پاسخگویی به این نیاز.





## ادبیات پایداری، جلوه‌ای حماسی از هنر و ادبیات موعود است

پیش‌تر در مقاله‌ای گفته بودم که ما به‌عنوان یک انسان مسلمان که بهره‌ای از هنر داریم، چشم به آینده موعود دوخته‌ایم. آینده‌ای که خورشید مهدویت در آسمان جهان می‌درخشد و مستضعفان به وراثت زمین برگزیده می‌شوند. بنابراین "هنر و ادبیات" ما باید از هم‌اکنون چشم به افق این آینده موعود بدوزد و هنرمندان ما برای رسیدن به قاف کمال چنین آینده روشنی، کمر همت ببندند.

از این منظر، می‌توان گفت که "هنر و ادبیات پایداری"، جلوه‌ای حماسی از هنر و ادبیات موعود است.

فلسفه هشت سال دفاع مقدس ملت سربلند ما نیز چیزی جز زدن مهر تأیید بر روی این ادعای روشن نبود، که ما با اقتدا به سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، نه ظلم می‌کنیم و نه زیر بار ظلم می‌رویم، و راز و رمز پایداری و استقامت درخشان "عاشورا مردان" این مرز و بوم نیز در طول این هشت فصل عشق، ایمان و اعتقاد راسخ به حقانیت این راه نورانی بود.

ما ایستادیم تا به مستضعفان جهان جرأت و شهامت "نه" گفتن به قدرتهای استکباری و شیطانی را بیاموزیم. ما ایستادیم تا به انسان بیاموزیم که "آزادی" گوهر نایابی است که تنها با ایثار جان به دست می‌آید. ما ایستادیم و در کوره‌های جنگ آبدیده شده‌ایم تا فرزندان ما در فردای تاریخ آزاد و سربلند زندگی کنند و با شبح‌چراغ ایمان، خیمه‌های کفر و ظلمت و پلشتی را در سراسر گیتی به آتش بکشند:

"تو چرا می‌جنگی؟"

پسرم می‌پرسد:

من تفنگم در مشت

کوله‌بارم در پشت

بند پوتینم را محکم می‌بندم

مادرم

آب و آینه و قرآن در دست

روشنی در دل من می‌بارد

\*\*\*

پسرم بار دگر می‌پرسد:

"تو چرا می‌جنگی؟"

با تمام دل خود می‌گویم:

"تا چراغ از تو نگیرد دشمن"

محمدرضا عبدالملکیان

و بدین‌گونه بود که فصل جدیدی در ادبیات معاصر به نام "ادبیات مقاومت و پایداری" گشوده شد.

## رسالت بزرگ اصحاب قلم

مبادا خویشتن را واگذاریم

امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهیدی لاله‌ای رست

مبادا روی لاله پا گذاریم

قیصر امین‌پور

هر چند سخن گفتن از اسوه‌های عشق و ایثار و شهادت، و اسطوره‌های جوانمردی و همت، سخن گفتن از مردان سبزی که در "هشت فصل عشق"، بر وجب به وجب خاک این مرز و بوم، مهر "کربلا" زدند و هم‌اکنون نیز یاد و خاطره سبزشان همچون نسیم بهشت بر مشام جان ما دلشدگان غریب می‌وزد، کار حسرت نصیب خزان‌زده‌ای همچون من (که از قافله سرخ شهادت جا مانده‌ام) نیست، ولی از آنجا که حفظ آثار و ارزشهای هشت سال دفاع مقدس، وظیفه‌ای است که بر دوش یکایک ما سنگینی می‌کند، رسالت بزرگ همه "اصحاب قلم" در شرایط حساس کنونی، تلاش در مسیر تحقق این آرمان بزرگ و مقدس است، زیرا آنچه مسلم- است با حفظ این میراث ارزشمند، از هویت اسلامی و انسانی یک ملت آرمان‌گرا و اصیل پاسداری کرده‌ایم و غافل شدن از این رسالت تاریخی، بر باد دادن میراث عظیمی از حماسه و ایثار و جانبازی است که می‌تواند همچون مشعلی فروزان، فرا روی نسل آینده قرار گیرد و عبرت‌آموز باشد.

البته از هیچ‌کس در عرصه "ادبیات دفاع مقدس" انتظار "شق القمر" نمی‌توان داشت. ولی این انتظار که هر یک از ما به حکم تکلیفو در حد بضاعت و توانایی خویش، به قدمی و قلمی میدان‌دار این عرصه باشیم، انتظار بزرگی نیست، چرا که اولین شرط برای گام برداشتن در این راه، عشق و ارادت و خلوص است و قدم دوم "توکل" و سپردن کار به حضرت کریم:

در ره منزل لیلی که خطرهاست در آن  
شرط اول قدم آن است که همچون باشی

۳

## ادبیات مقاومت و پایداری،

### ریشه در کربلا و عاشورا دارد

ادبیات مقاومت و پایداری، برآمده از جوهره و ذات فرهنگ شیعی است. در اسلام، حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع)، نماد مقاومت و پایداری در مقابل ظلم و کفر و شرک و باطل است. عاشورا و کربلا نیز اسطوره‌ای است برای همه عصرها و نسلها. بنابراین، ادبیات پایداری نیز، باید ریشه در کربلا و عاشورا داشته باشد. به همین خاطر معتقدم که اگر ما در تاریخ انقلاب اسلامی جنگی هم نداشتیم، باز هم شاعران با الهام از حماسه کربلا و جانبازی امام حسین(ع) و یارانش در روز عاشورا، همین‌گونه شعر می‌سرودند که در طول هشت سال دفاع مقدس و پس از آن سروده‌اند.

زیرا شاعر انقلاب، شاعری دردآگاه، رسالت‌مدار و آرمان‌گراست.

ادبیات انقلاب نیز، شجره طیبه‌ای است که ریشه در آسمانها دارد. الهامی و "وحی‌گونه" است. حاصل سیر و سلوکی عارفانه و کشف و شهودی عاشقانه است. ادبیات پایداری نیز (که شاخه‌ای پربر از ادبیات انقلاب است) آیین تجلی حقیقت و سرچشمه بصیرت است. شعر پایداری، شعری است با دو بال "عدالت و آزادی" و پاسدار کرامت‌های انسانی است. شعر مقاومت و پایداری، محصول پیوند اندیشه و تفکر، با تصویر و تخیل است. ولی در بند تخیل نیست. زیباست، ولی زیبا‌مدار نیست. شاعران پایداری، زیبایی را در خدمت تعهد می‌خواهند. از همین‌رو، حماسه "دفاع مقدس"، در

● اهتمام جدی در پرداختن به شعر و ادبیات پایداری، ارائه تعریفی دقیق و قابل استناد، تبیین مؤلفه‌های آن، و کالبدشکافی و آسیب‌شناسی این‌گونه ادبی، یکی از ضرورت‌هایی است که بی‌اعتنایی به آن می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای نسل امروز و فردای انقلاب به همراه داشته باشد.

● اگر امروز ما با بهره‌گیری از ابزار هنری و زبان گویای هنر (به‌خصوص شعر و داستان) در صدد به تصویرکشیدن حماسه‌های جنگ و ثبت لحظه‌های ماندگار دفاع مقدس نباشیم، بدون شک بخش عمده‌ای از هویت ملی و تاریخی خویش را به دست فراموشی سپرده‌ایم.



سرعت بخشیدن به جریان حماسه سرایی و آرمان گرایی در ادبیات ما، نقش عظیمی داشته است، که غیر قابل انکار است.

البته عده‌ای "شعارزدگی" ادبیات دفاع مقدس را دستاویز و بهانه‌ای قرار داده‌اند که بر روی همه این آثار ادبی، خط بطلان بکشند، که البته این حکم‌خالی از غرض نیست؛ چرا که شاعران ما در زمینه ادبیات دفاع مقدس، آثار ارزنده‌ای خلق کرده‌اند که در طول تاریخ ادبی ما، کم‌نظیر و گاهی نادر است. با این حال قضاوت در این مورد با آیندگان است و شاید الآن برای قضاوت، کمی زود باشد:

صافی دل چیست؟ از "تمیز" گذشتن  
آینه با زشت و خوب کار ندارد

#### ۴

### تأثیرپذیری ادبیات پایداری از شعر و ادبیات جهان

نمی‌توان بر این واقعیت چشم پوشید که ما در عصر انفجار اطلاعات، با تعبیری دیگر در عصر ارتباطات و رسانه‌ها زندگی می‌کنیم. عصر ماهواره، اینترنت، کامپیوتر، تکنولوژی و ... زندگی در چنین عصری اقتضا می‌کند که ما با خودآگاهی کامل در صدد ایجاد یک تعامل فرهنگی سازنده با جهان باشیم تا بتوانیم ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای فرهنگی سایر ملل، هویت اسلامی و انسانی خویش را نیز حفظ کنیم و اگر هم با جهان داد و ستدی داریم، این داد و ستد، به صورت متقابل و پایاپای باشد، تا در این معامله فرهنگی، مغبون واقع نشویم.

از این منظر، بحث تأثیرپذیری ادبیات پایداری ایران از ادبیات جهان را در سه سرفصل می‌توانیم مورد بررسی قرار دهیم:

- ۱- تأثیرپذیری از ادبیات نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی: فلسطین، لبنان، سوریه، مصر، عراق، افغانستان و ...
  - ۲- تأثیرپذیری از ادبیات مقاومت آمریکای لاتین
  - ۳- تأثیرپذیری از ادبیات ترجمه
- تأثیرپذیری شاعران ما از این سه جریان از دو زاویه قابل تأمل و بررسی است:

الف- تأثیرپذیری به اعتبار قرابت اعتقادی و ارزشی  
ب- تأثیرپذیری فیزیکی و شکلی (فرمی)

تأثیرپذیری شاعران ما از ادبیات نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و ادبیات آمریکای لاتین، حداقل از دو زاویه ارزشی و اعتقادی، یک تأثیرپذیری مثبت و سازنده است. ولی از نظر فیزیکی و شکلی قابل دفاع نیست، زیرا بر منطق روشنی استوار نیست.

در حوزه تأثیرپذیری ارزشی و محتوایی، آوردن نمونه‌ای از ادبیات پایداری جهان خالی از لطف نیست. نمونه زیر اثری است از شاعر نام‌آور شیلیایی "پابلو نرودا" که در ستایش یک انقلابی مبارز سروده شده، با این توضیح که انقلابی مورد ستایش او می‌تواند متعلق به هر کشوری باشد:

من او را شناختم

سالها با او سر کردم

با ذات زرین و سنگی او

در پاراگوئه پدر و مادر خویش را ترک گفت

پسرانش، عموزاده‌هایش

نو دامادهایش

خانه‌اش، مرغانش

و کتابهای نیمه‌باز را

گرمگان گرفتندش

و آن قدر زدندش

تا خون بالا آورد

در سرزمین فرانسه

در دانمارک

در اسپانیا

در ایتالیا

(آینه، ص ۱۷۰)

بعد از مطالعه شعر بالا، جهت بررسی تطبیقی ادبیات پایداری ایران و جهان، به آوردن فرازی از یک شعر زنده‌یاد "تیمور ترنج" می‌پردازم. تأمل در این شعر میزان تأثیرپذیری شاعران ما را از ادبیات پایداری جهان تا حدودی نشان می‌دهد:

ایلچیان

شمشیرهای خون چکان را

صیقل می‌دهند

و یاسای چنگیزی را تکرار می‌کنند

در پستوی تاریک

دختران

مہتاب رخساره‌هایشان را در خسوفی تاریک

انکار می‌کنند

بر دروازه‌های خونین شهر

ایلچیان

سربداران را بر دار می‌کنند.

(خاک، خون، حماسه، تیمور ترنج، ص ۳۲)

در این شعر، رگه‌هایی از تأثیرپذیری شکلی (فرمی) از ادبیات ترجمه دیده می‌شود.

در مورد ادبیات ترجمه (ترجمه آزاد) من بر این باورم که اگر این کار با دقت نظر، حساسیت و وسواس لازم صورت نگیرد، آثار تخریبی آن بیشتر از آثار سازنده آن است. شاید باور نکنید که آثار بسیاری از سپیدسرایان جوان (به علت بیگانگی با گنجینه ادبیات هزار ساله پارسی) رونوشتی مغشوش، آشفته و ضعیف از روی همین آثار ترجمه است. در واقع نوعی کلیشه برداری و گرته برداری از آثار ترجمه ادبیات است.

بسیاری از ترجمه‌هایی که این روزها در بعضی از مطبوعات به چاپ می‌رسد، ترجمه‌هایی بی‌هویت و ناقص‌الخلقه است. مترجمان جوان باید توجه داشته باشند که هر اثری ارزش ترجمه کردن را ندارد، برای ترجمه، باید دست به انتخاب زد و اولویت را به ترجمه آثار مشاهیر ادبیات جهان داد، نه هر اثر سست و ضعیفی.

بحث ترجمه در ادبیات، بحث بسیار حساس و ظریفی است و بر خیرگان و اهل فن تکلیف است که در این وادی خطر خیز، چراغ راه مترجمان جوان باشند.

#### ۵

### وجه تمایز شعر جنگ و شعر مقاومت و پایداری

عنوان "شعر جنگ" را می‌توان به اشعاری اطلاق کرد که به صورت مستقیم و بدون ارجاع به گزاره‌های هنری و زیباشناختی، به حادثه‌ای به نام "جنگ تحمیلی" می‌پردازد. در این ژانر ادبی، شاعر بیشتر "معنما محور" است و شعر او "معنا بنیاد"، از همین رو شاعر در سطح پدیده‌ها متوقف می‌ماند، و با زبانی شعاری و مستقیم به روایت جنگ و فراز و نشیب‌های آن می‌نشیند. بیشتر این اشعار نیز از بار عاطفی و احساسی قوی برخوردارند و مخاطب عام را ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌دهند.



در واقع، شاعر در حوزه شعر پایداری، پیامهای انسانی و فلسفی پدیده‌ای به نام "جنگ" را می‌گیرد و به آنها تشخص جهانی می‌بخشد.

پیامهایی همچون: آزادی، حق طلبی، عدالت خواهی، وطن پرستی، ایثار و جانبازی، نوعدوستی و ... و از آنجا که این پیامها به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، طبیعتاً دایره مخاطبان شعر، گسترش می‌یابد و این نوع شعر هرگز در چاه و چاله "بحران مخاطب" سقوط نمی‌کند و فراگیر می‌شود.

در شعر پایداری، شاعر مقاومت و پایداری انسان را در برابر ظلم، تجاوز، زیاده خواهی، و بی‌عدالتی به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که همه مردم جهان با اسطوره‌ها و نمادهای شعری او احساس پیوستگی و همذات‌پنداری می‌کنند و از همین منظر، تأثیرگذاری، نفوذ و ماندگاری این شعر، بیشتر از شعر جنگ است. در زیر نمونه‌هایی از شعر پایداری ایران و جهان را با هم زمزمه می‌کنیم:

چراغی به من بده

تا به جست‌وجوی میهن خود برخیزم

ای کوچه‌های بلند

- چونان تازیانه نیاکانم -

(محمد الماغوط - سوریه)

به نام شهیدانی که تیرگی را گردن نهادند

باید خشم را راهبر شویم

و زنجیر پاره کنیم

و در همه جا

پرچم پیروزی را بلند نگاه داریم

(پل الوار - فرانسه)

نان رفته

فشنگ رفته

برای پر کردن تفنگ‌هایشان

فقط دل مانده

محصور زمین و دریا

در این ژانر ادبی، شاعر بیشتر به کارکرد تاریخی و اجتماعی شعر نظر دارد و هدف او پیام‌رسانی و ابلاغ آموزه‌های دینی - حماسی به مخاطبین است.

البته این یک امر طبیعی است که شاعران انقلاب، در سالهای آغازین دفاع مقدس، بیشتر درصدد همدردی و همدلی با مردم بوده‌اند و به‌عنوان یک هنرمند مسلمان، به مسئولیت انسانی خویش عمل کرده‌اند.

چنان‌که شادروان "سید حسن حسینی" که از بانیان ادبیات انقلاب اسلامی است، در همان سالها به خاطر قرار گرفتن در جبهه مردم و هم‌آوایی با رزمندگان چنین می‌سراید:

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خواندم

از دیار دوست، یار آشنا می‌خواندم

مهلت چون و چرایی نیست، مادر الوداع

زان که آن جانانه بی‌چون و چرا می‌خواندم

وای من گر در طریق عشق کوتاهی کنم

خاصه وقتی یار با پانگ رسا می‌خواندم

ولی هرچه از حادثه دفاع مقدس و جنگ تحمیلی فاصله

گرفته‌ایم، این نوع نگاه کم‌رنگ‌تر شده و شاعران بیش از پیش، از

منظر ادبی و هنری به جنگ نگاه کرده‌اند.

و اما شعر مقاومت و پایداری، این گونه ادبی از جامعیت بیشتری

برخوردار بوده و ساختار آن بر بنیادهای زیباشناسانه استوار است.

در شعر پایداری، شاعر دیگر مستقیماً به حوادث، عملیات و نام

شهدا نمی‌پردازد، بلکه با رویکردی عمیق‌تر، فلسفی‌تر و معاصرتر

به موضوعی به نام "جنگ" نگاه می‌کند. در شعر مقاومت و پایداری،

رفتار شاعر با زبان، رفتاری "فراهنجار" است.

در حوزه شعر مقاومت و پایداری، نگاه شاعر فقط به جنگ

تحمیلی هشت ساله متوقف نمی‌ماند، بلکه پیامهای انسانی این

حادثه تاریخی را درونی می‌کند و به جهان ارائه می‌دهد.

شاعر در شعر پایداری به دنبال زبانی برای گفت‌وگو با همه

مردم جهان است، مردمی که طعم تلخ جنگ را چشیده‌اند و مقاومت

و پایداری را تجربه کرده‌اند.

● "هنر و ادبیات پایداری"، جلوه‌ای حماسی از هنر و ادبیات موعود است. ما ایستادیم تا به مستضعفان جهان جرات و شهامت "نه" گفتن به قدرتهای استکباری و شیطانی را بیاموزیم.

● ادبیات مقاومت و پایداری، برآمده از جوهره و ذات فرهنگ شیعی است.

● در حوزه شعر مقاومت و پایداری، نگاه شاعر فقط به جنگ تحمیلی هشت ساله متوقف نمی‌ماند، بلکه پیامهای انسانی این حادثه تاریخی را درونی می‌کند و به جهان ارائه می‌دهد.

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



به سالها و سالها

همه گرسنه

و همه از پا افتاده

اما هیچ یک تن به مرگ نداده

(یانیس ریتسوس - یونان)

می خواستم

شعری برای جنگ بگویم

دیدم نمی شود

دیگر قلم زبان دلم نیست

گفتم:

باید زمین گذاشت قلمها را

دیگر سلاح سخن کار ساز نیست

باید سلاح تیزتری برداشت

باید برای جنگ

از لوله تفنگ بخوانم

- با واژه فشنگ -

(شعری برای جنگ، قیصر امین پور)

می بینمت

چون گردباد بر زیر آسمان

چون مرگ

بر فراز ماسه زارهای شعله‌ور از جنگ

شمشیرها

به سوی تو می آیند و از تو می گذرند

بی آنکه بر تن تو گزندی به جا نهند!

یوسفعلی میرشکاک

نه ابرهای خدا را سنگ زده‌ام

نه پا بر خواب فرشته‌ای نهاده‌ام

تنها

جهان را به تماشای گلی برده‌ام

که از هیچ توفانی

خم بر ابرو نمی آورد.

(مجید زمانی اصل)

پس از آن وقفه که افتاد به گلچینی‌ها

آسمان می نگرد باز به پایینی‌ها

سینه‌ها باز گرفته‌ست هوای شب قدر

چه کسی گفت زمین مانده و نفرینی‌ها

یاد بادا شب پرواز پرستو نفسان

از افق تا به افق شهیر شاهینی‌ها

همتی بدرقه راه کن ای شوق حضور

تا سیک پر بکشیم از دل سنگینی‌ها

(مصطفی محدثی خراسانی)

می برم منزل به منزل دار خویش را

تا کجا پایان برم آغاز کار خویش را

در طریق عاشقی مردن نخستین منزل است

می برد بر دوش خود، حلاج دار خویش را

(حسین اسرافیلی)

۶

### مؤلفه‌های شعر پایداری

ارائه تعریف مانع و جامع از شعر پایداری کار سختی است، ولی می‌توان به‌طور اجمال به مؤلفه‌های این ژانر ادبی اشاره کرد. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

- ۱- برجسته کردن و تشخیص بخشیدن به پیامهای انسانی از جمله: آزادگی، حق خواهی، عدالت طلبی، ظلم ستیزی، وطن دوستی، ایثار، نوع دوستی و استقامت و پایمردی
- ۲- نگاه جزئی نگر و عینی تر به پدیده‌ها و اشیا، یعنی حرکت از سمت سوژکتیو (Subjective) به سمت (Objective)
- ۳- روزآمد کردن زبان ادبی با بهره‌گیری از فرم و ساختاری متفاوت با گذشته و استفاده از قالبهای نیمایی و سپید
- ۴- بهره‌گیری از المانها و نمادهای ملی و دینی در حوزه اسطوره‌سازی
- ۵- قرابت و نزدیکی با ساختارهای نمایشی و سینمایی
- ۶- استفاده از بیان روایی و داستان گونه
- ۷- نگاه حماسی و عرفانی به پدیده جنگ و تبعات آن
- ۸- تشخیص بخشیدن به عنصر اندیشه و تفکر در حوزه طرح آرمانها

۷

### کالبدشکافی و آسیب‌شناسی شعر پایداری

این حرف درستی است که هنرمندان ما (به‌خصوص شاعران پایداری)



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی



کار زمینه نقد آثار ما را فراهم می‌کند و علاوه بر آن باعث ایجاد تعامل سازنده ادبی بین ما و دیگران می‌شود. سرمایه‌گذاری جدی برای حمایت از مؤلفان آثار ادبی در حوزه پایداری و چاپ و انتشار نشریه‌های تخصصی و پژوهشی از ضرورت‌های دیگر است که به شکر خدا بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس در این زمینه پیش‌قدم شده و چاپ ماهنامه‌ای تحت عنوان "فرهنگ پایداری" شاهد خوبی برای اثبات این ادعاست.

از دیگر کارها، توجه دادن دانشگاهها به مقوله شعر و ادبیات انقلاب به‌طور عام و ادبیات پایداری به‌طور خاص است که باید مورد توجه سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی قرار بگیرد. بی‌توجهی دانشگاههای ما به شعر و ادبیات پایداری قابل قبول نیست. این گونه ادبی در کتابهای درسی و دانشگاهی ما باید جایگاه شایسته‌ای داشته باشد.

همیشه نباید از موضع تأیید و شیفتگی با پدیده‌ای به نام "جنگ" برخورد کنند، بلکه گاهی لازم است که از موضع نقد نیز این پدیده را مورد کالبدشکافی قرار بدهند و به ابعاد دیگری از آن نظر داشته باشند که تا به امروز (به هر علت) مغفول مانده است. و اما اینکه در حوزه آسیب‌شناسی جنگ چه کارهایی لازم است انجام بشود، جای بحث و تأمل زیادی دارد. برای فتح باب در این حوزه، قبل از همه چیز باید به "نقد" جدی، علمی، فنی و حرفه‌ای شعر و ادبیات پایداری پرداخت.

متأسفانه حوزه هنری نقد، حوزه‌ای است که در طول این دو دهه کمتر به آن توجه شده و به‌خاطر همین بی‌توجهی، آسیبهای جدی به پیکره شعر و ادبیات ما وارد شده است. علاوه بر نقد و بررسی، برگزاری نشستهای ماهانه شاعران و نویسندگان حوزه دفاع مقدس و ادبیات پایداری برای روزآمد کردن این حوزه و انتقال تجربه‌ها به یکدیگر ضرورت دارد.

پیشنهاد سوم من فراهم کردن زمینه دیدار شاعران و نویسندگان ایران با شاعران و نویسندگان پایداری سایر کشورهاست که تاکنون مورد غفلت واقع شده است.

ترجمه آثار برجسته ادبی در حوزه ادبیات پایداری به صورت متقابل از ضرورت‌های دیگری است که باید روی آن سرمایه‌گذاری جدی شود.

شعر شاعران پایداری ما باید به زبانهای دیگر ترجمه شود. این

### آینده شعر پایداری: بودن یا نبودن!

حضرت امام (ره) در جایی فرموده‌اند تا ظلم هست، مقاومت و پایداری هم هست. بنابراین باید گفت که شعر و ادبیات پایداری هم از این منظر تا زمانی که انسان بر روی این گره خاکی زندگی می‌کند، پایه‌ای انسان به حیات خود ادامه می‌دهد و محدود کردن آن به یک دوره یا مقطع زمانی خاص، بی‌معناست.

اینکه می‌گویند شعر پایداری با پایان یافتن دفاع هشت ساله ملت ایران خودبه‌خود به پایان رسیده است، مغلطه‌ای بیش نیست. در واقع این "شعر جنگ" است که محدود به هشت سال دفاع مقدس می‌شود و امروز موضوعیت ندارد، ولی شعر پایداری با تعریفی که از آن ارائه دادیم، تا ظلم هست، به حیات خود ادامه خواهد داد.

شاید تا حدودی این گفته درست باشد که شاعران ما بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران، دیگر به سرودن شعری با موضوعیت "جنگ ایران و عراق" نخواهند سرود، یعنی از این مقطع به بعد دیگر هیچ شاعری نمی‌آید، موضوع شعر خود را حادثه‌ای قرار بدهد که در یک مقطع زمانی و تاریخی خاص اتفاق افتاده و تمام شده است، چرا که اگر این کار را بکنند دیگر نام اثر او را نمی‌توان شعر گذاشت، بلکه کار او چیزی شبیه تاریخ‌نگاری، روایت‌گری و گزارشگری است، یعنی از کارکرد ادبی و هنری بی‌بهره است، ولی ممکن است شاعر دیگری بیاید و با الهام از حماسه آفرینیهای رزمندگان اسلام در طول هشت سال دفاع مقدس، کاری شبیه شاهنامه فردوسی ارائه دهد و منظومه‌ای حماسی خلق کند که کار او در زمره شاهکارهای ادبی قرار بگیرد. به اعتقاد این کمترین شاعران ما امروز باید از این منظر به جنگ نگاه کنند، یعنی با نگاهی معرفت‌شناسانه و با به کارگیری مؤلفه‌های زیباشناسانه، روایت جنگ را به شاهکاری حماسی-ادبی تبدیل کنند که در بطن تاریخ برای همیشه ماندگار بماند. طبیعی است که خلق چنین آثاری باعث هویت‌بخشی و حفظ غرور دینی و ملی‌ماست و حرکت به این سمت و سو، حرکتی خجسته و قابل تأیید است.

● شاعر در شعر پایداری به دنبال زبانی برای گفت‌وگو با همه مردم جهان است. مردمی که طعم تلخ جنگ را چشیده‌اند و مقاومت و پایداری را تجربه کرده‌اند.

● ترجمه آثار برجسته ادبی در حوزه ادبیات پایداری به صورت متقابل از ضرورت‌های دیگری است که باید روی آن سرمایه‌گذاری جدی شود

اینکه می‌گویند شعر پایداری با پایان یافتن دفاع هشت ساله ملت ایران خودبه‌خود به پایان رسیده است، مغلطه‌ای بیش نیست. در واقع این "شعر جنگ" است که محدود به هشت سال دفاع مقدس می‌شود و امروز موضوعیت ندارد.

